

ما قرآن را گم کرده ایم

این دانشمند بزرگ اسلامی چگونه قرآن را گم کرده بود و پیدا کرد - و ما چگونه آن را گم کردیم - اگر قرآن رمز ترقی و پیشرفت است چرا ما مسلمانان عقب افتاده ایم ؟

من قرآن را پیدا کردم !

یکی از نویسندگان معروف اسلام بنام «سید قطب» در مقدمه کتاب خود «تصویر فنی در قرآن مجید» بحث جالبی تحت عنوان «من قرآن را پیدا کردم !» دارد که خلاصه اش اینست : این کتاب داستانی دارد که لازم بود تا کتاب بچاپ نرسیده بود آنرا نزد خود نگاه دارم ولی امروز که کتاب بسوی مطبعه میرود ناچارم آنرا افشای کنم : در کودکی که برای نخستین بار قرآن را میخواندم با اینکه فکر من قادر بدرک معانی بلندی پایه آن نبود چیزهایی از آن احساس میکردم .

هنگامی که بعضی آیات را میخواندم اشکال و تصویرهای جالبی مناسب معانی آن در مغز من نقش می بست ، من از این تصویرهای ساده و قدرت خلاقه قرآن فوق العاده لذت میبردم و با آن مدتها سرخوش بودم ... !

آن ایام با خاطرات شیرینش گذشت .

هنگامیکه قدم در محیط مدرسه و مراکز علمی گذاشتم و تفسیر قرآن را در کتب تفسیر خواندم ، واقوال این و آن و احتمالات گوناگون را مطالعه کردم ، دیدم دیگر اثری از آن تصویرهای روح پرور و آن جمال دل انگیز که در کودکی میدیدم در اعماق فکر من پیدا نیست . متحیر شدم ، مگر این همان قرآنی نیست که من در کودکی میخواندم و آنقدر از معانی آن لذت میبردم ؟ چرا امروز اینقدر مشکل و پیچیده و خالی از آن جمال و لذت شده است ؟ مگر این قرآن دیگری است ؟ آن تصویرهای زنده و روح پرور کجاست ؟

ناچار گفته‌های این: آن - و آنهمه احتمالات مختلف و احیاناً نامفهوم را رها کرده
بمطالعه عمیق خود قرآن پرداختم ، و قرآن را در خود قرآن جستجو کردم ؛ نه در
گفته‌های این و آن !
دیدم قرآن بار دیگر همان قیافه جذاب و دلپذیر ، همان تصویرهای دل‌انگیز و جان‌پرور
خود را بمن نشان داد ، من مسحور این منظره هاشدم .

البته این نقشها و صورت‌هایی که در این موقع مشاهده میکردم بآن سادگی دوران کودکی
نبود ، چه اینکه آن روز فقط صورتهای زنده و روح دار آنرا میدیدم ، ولی امروز در پشت آنها
هدفهای عالی و مقاصد بزرگ و پرارزش قرآن را نیز می بینم !
و در هر دو حال جاذبه و کشش آن همیشگی و لایزال است .
شکر خدا ، من قرآن را پیدا کردم ...

و از آن روز ب فکر افتادم آن تصویر زنده و باروحي را که قرآن در مغز خواننده ترسیم میکند
و هیچ قلمی قدرت ندارد مانند آن ترسیم نماید ، مورد بحث خاصی قرار دهم ، و آنجا پایه تالیف
این کتاب (تصویر فنی در قرآن مجید) ریخته شد ...



بعثتی را که این نویسنده مشهور اسلامی در باره پیدا کردن قرآن ذکر کرده بحث جالب
و زیبایی است ، ولی این بحث تنها از نظر درك معانی زنده و پراحساس قرآن تعقیب
شده است !

در حالی که اگر نامبرده از نظر تجسم خارجی حقایق قرآن در لابلای اعمال ما مسلمانان این
حقیقت را دنبال میکرد ، مشاهده مینمود که قرآن هنوز پیدا نشده است !

البته از نظر درك معانی زنده قرآن حق با این نویسنده بزرگ است ولی از نظر تحقق
بخشیدن باین معانی باید گفت : ما قرآن را گم کرده ایم ، مایعنی اکثریت مسلمانان جهان ؛
اکثریت کسانی که بقرآن ایمان داریم ، و دم از اسلام میزنیم ، آری ما قرآن را گم کرده ایم .

درست است که قرآن مجید - برخلاف بعضی کتب ساختگی دین سازان قرن اخیر که
از قراردادن کتابهای خود در دسترس مردم وحشت دارند زیرا آثار ساختگی بودن از همه جای
آن پیدا است - بتمام زبانهای زنده جهان ترجمه شده ، و در تمام خانه های مسلمانان و عموم
کتابخانه های بزرگ و کوچک دنیا وجود دارد ، و همه روزه از تمام فرستنده های ممالک اسلامی

بخش میشود

ولی . . ولی غالباً از حقیقت تعلیمات عالی قرآن ، و روح معانی این کتاب بزرگ آسمانی و درسهای آموزنده آن عملاً بیخبریم !
 مامسله انان اگر قرآن ر گم نکرده بودیم امروز چنین پراکنده نبودیم . این چنین بیگانگان بر مامسلط نبودند ، و این چنین در ادامه زندگی و حیات خود بکمکهای این قرآن نیازمند نبودیم !

مگر خود قرآن نمیگوید: «سست نشوید ، و غمگین نباشید ، شما از همه برترید
اگر ایمان داشته باشید! (۱)

مگر پیشوای بزرگ اسلام علی (ع) نمیفرماید :

واعلموا انه ليس على احد بعد القرآن من فاقة ولا لاحد قبل القرآن من غنى! (۲)

بدانید هیچکس با داشتن قرآن فقیر نیست ، و هیچکس بدون قرآن غنی و بی نیاز نخواهد بود !

و هم آن حضرت میفرماید : در مشکلات و سختیها بقرآن پناه ببرید و داروی دردهای بزرگ (اخلاقی و اجتماعی) خود را از آن بخواهید ؛ بزرگترین دردها نداشتن ایمان ، پراکندگی و نفاق ، و گمراهی است ، و داروی آنها در این قرآن است» (۳)

اگر داروی تمام این دردها در قرآن است چرا امروز ما اینقدر پراکنده ایم ، اینقدر افکار و کشورهای مسلمانان بلکه طبقات يك کشور از هم دور افتاده ، و تزلزل ایمان و گم کردن راه زندگی پرافتخار ، موجودیت مسلمانان را تهدید میکنند ؟

* * *

يك سؤال گيج كننده !

در اینجا يك سؤال پیش میآید ، بارها این سؤال را از ما کرده اند و کراراً در مذاکرات حضوری و سخنرانیها پاسخ گفته ایم ، ولی باز هم میپرسند ، میگویند :
 اگر این کتاب بزرگ آسمانی رمز موفقیت ، ترقی ، وحدت ، و پیشرفت مسلمانان

(۱) - آل عمران ۱۳۹

(۲) نهج البلاغه - خطبه ۱۷۱

(۳) ، ، ،

در تمام جهات زندگی مادی و معنوی است پس چرا ما مسلمانان ، امروز اینچنین عقب افتاده ایم؟
چرا اینگانگان ما را جزء ممالک باصطلاح «توسعه نیافته» ! و «در حال نمو» ! معرفی
میکند؟ پس چه شد آن تأثیر اعجاز آمیز قرآن؟! .

بعضی از مخالفان ما نه تنها اسلام و قرآن را مایه پیشرفت ما نمیدانند ؛ بلکه صریحاً آنرا
باعث عقب افتادگی و انحطاط ما معرفی میکنند !

**پاسخ این سؤال که باید آنرا برای «عده ای» يك سؤال گيج کننده نامید در خود
قرآن است ؛ آری در خود قرآن !**

قرآن میگوید :

این کتاب برای عده ای مایه همه گونه افتخار و ترقی است ، و برای بعضی موجب انحطاط
و بدبختی !! **ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین (۱) ... فاما الذین آمنوا
فزدتهم ایماناً وهم یستبشرون . واما الذین فی قلوبهم مرض فزدتهم رجساً الی
رجسهم وماتوا وهم کافرون (۲)**

یعنی: این کتابی است خالی از هر گونه شک و تردید ، وسیله هدایت است برای پرهیزکاران
اما کسانی که ایمان دارند هنگامیکه آیات آنرا میشوند بایمان آنها میافزاید و شاد میشوند ،
ولی آنهایی که دلهاشان «مریض و بیمار» است بر پلیدی آنها میافزاید تا آنجا که بی ایمان از
جهان میروند ! ..

فرق افراد با ایمان و بی ایمان (یا ضعیف الایمان) در واکنشی که در برابر آیات قرآن
نشان میدهند بسیار روشن است ، آنها که ایمان بقرآن دارند آنرا یک برنامه عالی زندگی
و یک داروی حیات بخش میدانند ؛ چطور ممکن است «بیمار» از داروی - حیات بخشی که بتأثیر
فوق العاده آن ایمان دارد چشم پوشد ؟ بنابراین آنها تمام اصول زندگی خود را با قرآن
منطبق می سازند .

ولی آنها که این حقیقت را کاملادک یا باور نکرده اند و بگفته قرآن دلهای آنها بیمار است
نه تنها اصول زندگی خود را با دستورهای عالی قرآن تطبیق نمیکنند بلکه بسیار میشود برای
توجیه تباهیهای خود قرآن را دستاویز قرار میدهند و **حقایق آنرا بهمیل خود تفسیر و
تحریف میکنند ؛** و همین سوء استفاده باعث میشود که بیشتر سقوط کنند و بر پلیدی آنها

(۱) سوره بقره - ۳

(۲) - سوره توبه - ۱۲۵ و ۱۲۶

افزوده شود .

آپاراستی ما ، قرآن عمل کرده ایم و نقشه زندگی فردی و اجتماعی را طبق اصول آن ترسیم نموده ایم و عقب افتاده ایم ، یا چون از آن اصول دور افتاده ایم ، عقب افتاده ایم ؟ .
از میان هزاران دستور قرآن اگر تنها ما سه دستور زیر عمل کرده بودیم مسلماً امر و اجتماع ما قیافه دیگری داشت :

۱- عدالت اجتماعی - قرآن برای عدالت اجتماعی تا آن اندازه احترام قائل شده

که میگوید :

ای مردم با ایمان ! همیشه قیام بعادت کنید ؛ گوا اینکه بر ضرر شما و پدران

و خویشان ندان شما باشد ! ... (۱)

یعنی هیچ چیز حتی بخطر افتادن منافع شخصی و منافع پدران و مادران و خویشان نزدیک مانع از اجراء اصول عدالت نیست . آیا راستی ما باین دستور بزرگ عمل کرده ایم و عقب افتاده ایم ؟

۲- سعی و کوشش بجدا کثر - قرآن هر کس را در گرو سعی و کوشش او دانسته (۲)

و باین ترتیب روی موهوماتی مانند شانس و بخت و طالع ، قلم کشیده ، عظمت و پیشرفت و سعادت را در سایه سعی و کوشش میداند آیا ما بر اثر سعی و کوشش عقب مانده ایم ؟

۳- تحصیل همه گونه قدرت ! - قرآن بمسلمانان صریحاً دستور میدهد در عین

رعایت اصول عدالت . برای حفظ موجودیت کشورهای اسلامی در برابر خطرات بیگانگان

هر گونه قدرتی را برای خود تحصیل کنند و هیچ حدود مرزی برای این موضوع قائل نشده است (۳)

آیا این دستور مایه عقب افتادگی است .

(۱) سوره نساء آیه ۱۳۴

(۲) سوره طور ۵ و ۲۱

(۳) سوره انفال ۶۰